

# جایگاه علم‌آموزی زنان در تمدن نوین اسلامی

کلثوم حسینی \*

## چکیده

از آنجایی که پویایی و رشد هر تمدنی ملزم به خلاقیت و علم‌آموزیست، اسلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تمامی پیروان خود را به علم‌آموزی فراخوانده است. زنان به عنوان نیمی از باشندگان و سازنده‌گان تمدن اسلامی هستند. در این پژوهش این مطلب ثابت شده است که زن از نقطه نظر اسلام مانند مردان دارای اختیار، مسئولیت‌پذیر، و توانا به دستیابی به کمالات است و مانند مردان مورد خطاب و توجه قرار گرفته است. اگر در تمدنی توجه به علم‌آموزی زنان مورد کوتاهی قرار بگیرد نه تنها تمدن بالنده و پویا شکل نمی‌گیرد بلکه شخصیت انسانی زن نیز از بین خواهد رفت. در نهایت باید اشاره کرد که تمدن اسلامی نیز جهت نیل به هدف نوین‌شده‌گی خود نیاز به ایجاد جو و فضای مناسب برای علم‌آموزی زنان دارد.

**کلیدواژگان:** زنان، علم‌آموزی زنان، اسلام، تمدن نوین اسلامی.

---

\* دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه مشهد مقدس.

## مقدمه

دعوت به علم‌آموزی و خلاقیت جزء ملزومات پویایی هر تمدنی است، تمدن اسلامی از این اصل مستثنی نمی‌باشد، و این درحالی است که تمدن اسلامی تأکید فراوانی بر ضرورت این امر در خصوص زنان دارد و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی نیاز به توجه بیش از پیش در این امر مهم را دارد، و بررسی و تحقیقات بیشتری را می‌طلبد.

از آنجایی که پیشینه درخشان تمدن اسلامی از چشم هیچ صاحب انصافی پوشیده و مخفی نیست، آنچه امروزه شاهد آن هستیم شامل بخشی از نقاط کم‌رنگی از تعالیم باقیمانده اسلامی است. لذا پالایش، بازبینی و تقویت آراء و نظرات، توجه بسیاری تا تحقق تمدن نوین اسلامی را می‌طلبد.

اثبات جایگاه و نقش زنان در فرهنگ اسلامی و بیان حمایت اسلام از علم‌آموزی آنان و همچنین رد بعضی از دیدگاه‌هایی که مانع و سد علم‌آموزی زنان می‌شود. از جمله مطالبی است که این مقاله سعی بر بررسی آن دارد. باید توجه داشت که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و علم‌آموزی زنان به عنوان رکن رکین جامعه اسلامی نقش محوری در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد.

در ابتدا به بررسی معنا و مفهوم دقیق تمدن و برداشت نو بودن از آن و اینکه علم‌آموزی چه رابطه‌ای با تمدن دارد، می‌پردازیم. سپس با کشف دیدگاه اسلام در باره زنان سعی در یافتن جایگاه علم‌آموزی زنان را در تمدن اسلامی داریم. در این تحقیق با استفاده از بررسی منابع اسلامی و تاریخی و... به بررسی موضوع پرداخته شده است.

## ۱- تمدن اسلامی

### ۱-۱- تعریف تمدن

تمدن از نظر لغت از واژه لاتین "Civitas" که معادل کلمه "Polis" یونانی قدیم است، گرفته شده، تمدن "Civilisation"، اسم مصدر "Civiliser" یعنی «تمدن کردن» می‌باشد. (کاشفی، محمدرضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۳) ساموئل

جانسون، لغت‌شناس انگلیسی، واژه civilization را در فرهنگ خود نیآورده است. او ترجیح داد واژه civility را که معنی ادب و نزاکت، نجابت و رفتار خوب و کیاست را نیز در بردارد به کار برد. (مکی، ۱۳۸۳: ۲۱).

تمدن در زبان عربی با عبارت حضارت (شهرنشینی) در لغت یعنی سکونت در شهر در مقابل بدات که به معنی زندگی در بیابان است می‌باشد. (صلیبا، ج ۱، ص ۳۱۵) فعل حَضَرَ و مشتقات آن در ۱۲۵ آیه، و در مجموع در ۱۶ سوره قرآن کریم آمده است. و همگی به معنای حضور، وجود و استعداد است. (مکی، ۱۳۸۳: ۱۶) علاوه بر این در اصطلاح و عقیده جامعه‌شناسان، تمدن حالتی مترقی است که ملت‌ها در پرتو آن تحت تأثیر تحولات جدید و مترقی قرار می‌گیرند، ساموئل هنتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی می‌شمارد (خاکرند، ۱۳۹۰: ۵۶) در اینجا با توجه به رابطه‌ای که بین فرهنگ و تمدن وجود دارد نمی‌توان تمدن را تنها راه دستیابی بشر به امکانات و قدرت‌های مادی تعریف نمود. پس می‌توان گفت، تمدن دارای دو جنبه است: جنبه مادی که شامل اختراعات، اکتشافات و آنچه برای آسایش زندگی، که اسباب زندگی شهرنشینی به حساب می‌آید، می‌شود. جنبه غیرمادی تمدن (فرهنگ): عبارت از هدف‌های شریف انسانی و اخلاقی و سعی در رسیدن به آن‌هاست. (کسمائی، ۱۳۵۴: ۲۲).

## ۱-۲- علم‌آموزی و رابطه آن با تمدن

از آن رو که ویل دورانت تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند "نظمی اجتماعی، که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر شود" (خاکرند، ۱۳۹۰: ۵۱) باید گفت خلاقیت مهم‌ترین بعد ماهوی انسان است و در واقع اندیشه، دانش و دانایی در خدمت خلاقیت است و چنان‌که می‌دانیم هر ملت و کشوری که بتواند خلاقیت بیشتری داشته باشد در عرصه تمدن‌سازی نقش برتری می‌یابد. از سوی دیگر آزادی در خلاقیت، ثمره‌اش تولید علم و دانش است. (مه‌اجرانی، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۲، ۴) در نتیجه دانش و دانایی که هر دو متکی به عقل،

۱ Samuel Johnson

۲ Samuel Huntington

دین و ایمان مذهبی است، دو بال برای تحقق تمدن محسوب می‌شوند. در نتیجه علم، یکی از قوی‌ترین ابزار، عوامل و عناصر تمدن‌ساز در عصر حاضر می‌باشد. علم چرخ‌های تمدن را به پیش می‌راند و تمدن راه را برای علم‌آموزی و گسترش علم باز می‌کند.

## ۲- زن در تمدن اسلامی

### ۲-۱- زن قبل از اسلام

به طور کلی درباره مقام و منزلت زن در تمدن‌های پیش از اسلام دو دیدگاه متناقض وجود دارد. یک عده معتقد به این می‌باشند که زن پیش از اسلام دارای مقام و منزلتی بالا و دارای استقلال و آزادی بوده است و کارهای مهم به مشورت او انجام می‌شده است. (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۱، ۳۵) این عده شوکت و مقام حضرت خدیجه رضی الله عنها را به عنوان نمونه آورده‌اند. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۴۲) دیدگاه دوم که با اسناد سازگارتر است مربوط به موقعیت اسفبار زن در دوران جاهلی و پیش از اسلام می‌باشد که حضور اسلام باعث تعالی موقعیت زن شده است. به گونه‌ای که ادعا می‌شود که همه جا در روی زمین، ارزش زندگی زن کمتر از مرد بوده است. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۳۶) و در طول تاریخ از شأن و موقعیت لازم و کافی برخوردار نبوده و غالباً دچار پستی مضاعف بوده‌اند. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸: ۸) در این دوران زن به عنوان کالا و سرمایه بازرگانان در بازار، دادوستد می‌شدند. (شجاعی، ۱۳۷۸: ۳۷) و یا به جهت زیبایی و شکار برای لذت‌بخشی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، و در دوره بعد از آن به عنوان موجودی فاقد اختیار تحت قیمومیت مرد به حساب می‌آمد. (مرتضوی، ۱۳۸۲: ۷۹).

تاریخ ادیان بزرگ (به نحوی که باقی‌مانده) صحنه بر این سخن می‌گذارد، مثلاً طبق آنچه در مسیحیت کنونی آمده است، زن موجودی ناقص و کنیز و برده‌ای در خدمت مرد است و مرد همواره باید بکوشد تا از شر او در امان بماند. و همچنین در آیین تحریف شده یهود، برای زن شخصیت و منزلتی قائل نیستند. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۳۶).

## ۲-۲- ارمغان اسلام برای زن

در تمدن اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارند. برای اسلام جنس زن یا مرد مطرح نیست؛ چرا که در اسلام رسالت فراتر از جنسیت است و سخن از تکامل انسانی است. (فجر: ۲۸-۲۷) حضور زن در تمدن نوین اسلامی به معنای الگوگیری از تمدن غرب نمی‌باشد، چرا که مسأله زن برای اولین بار در غرب در قرن بیستم به شکل "حقوق زن" در برابر حقوق مرد عنوان شد، و در آمریکا در سال ۱۹۲۰ قانون تساوی زن و مرد در حقوق سیاسی تصویب شد. (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۲-۱۳۱) و از قرن ۱۹ بود که اوضاع زنان کمی بهبود یافت. در اروپا حق رأی زنان نیز در پایان قرن نوزدهم بود که به تصویب رسید (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۱۷).

از این رو می‌توان به صراحت ادعا کرد که پیش از اسلام، هیچ قانونی از قوانین اجتماعات متفاوت، درباره ارزش واقعی زن، و اثر وجودی او و حفظ و کرامت و حقوق او، تفضیلات فلسفی و روانی و مواد قانونی وجود ندارد. (کمالی، ۱۳۷۱: ۲۵) در صدر اسلام که سیستم اسلامی بر جامعه حاکم بود، زنان در امور مربوط به زندگی اجتماعی و حتی حوادث سیاسی جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کردند. و می‌توان گفت زن در جامعه صدر اسلام از شخصیت انسانی کاملی برخوردار بوده است. (نقوی، بی‌تا: ج ۲، ۶۰).

اسلام زنان را تا جایی از حقارت نجات داد که هیچ دینی پیش از آن بالا نبرده و در آینده نیز نخواهد برد. (رشیدرضا، بی‌تا: ۳۷۶) اسلام با اعطای مقام کوثر به دخت نبی اکرم (سوره کوثر) او را تکریم کرده، و با دادن حق رأی به زنان در دوره‌ای که زنان در سازوکار حکومت نقشی نداشتند او را به عنوان فردی مؤثر در اجتماع مطرح نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان مهم‌ترین شخصیت در اسلام با زنان بیعت می‌کرد و نظر و حضور آنان را به رسمیت می‌شناخت. (ممتحنه: ۱۲).

حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زینب علیها السلام نمونه‌ای از زنانی بودند که نسبت به سرنوشت سیاسی جامعه خویش حساس بودند. عده‌ای از زنان در حالی اسلام آورده بودند که شوهران آن‌ها کافر بودند مانند دختر ولید بن مغیره که همسر صفوان بن امیه بود و نیز ام حکیم دختر حارث بن هشام که شوهرش عکرمه بن ابی جهل بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۴:

۳۰) اولین کسی که اسلام را قبول کرد یک زن بود و اولین شهید در راه اسلام نیز یک زن بود؛ وارث پیامبر نیز دخترشان بود که پیامبر دستان ایشان را می‌بوسید و او را ام‌ابیه خطاب می‌کرد.

## ۲-۳- آموزه‌های اسلام در خصوص زنان

دیدگاه اسلامی دربارهٔ زن را می‌توان دیدگاهی مترقی و در عین حال متعادل دانست. اسلام زن را همچون مرد انسانی می‌داند که سه ویژگی مهم انسانی در قرآن یعنی اختیار، مسئولیت-پذیری و توان ارتقاء و کمال را داراست و همچون مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴).

### ۲-۳-۱- اختیار

انسان تنها موجودی است که می‌تواند با "آگاهی" از قوانین هستی و با "اراده" و "اختیار" شرایط حاکم را در راستای اهداف خویش متحول سازد. (سوره ابراهیم: ۳۲-۳۴) و در این انسان بودن است که تفاوتی میان زن و مرد نمی‌باشد (احزاب: ۷۲) انسان دارای اختیار به صورت عام و زنان نیز به صورت خاص در جایگاه احیاگر، پذیرنده، حافظ و انتقال‌دهنده یک تمدن، نقش اساسی در آن دارد، اگر این عامل به عوامل گوناگونی مانند رخوت، سستی، بی‌انگیزگی، فساد اخلاقی و روحی، دوری از تعالی، رشد، تفکر و خلاقیت دچار شود، نمی‌تواند احیاگر، حافظ و ناقل تمدن خویش باشد. (کاشفی، ۱۳۸۹: ۲۰۲) امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: "زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند." (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام با همکاری مرکز مطالعات، ۱۳۸۷: ۸۳).

### ۲-۳-۲- توان ارتقاء و کمال (همسانی در رسیدن به سعادت و کمال)

آفرینش اصیل زن و مرد، به این معناست که هر کدام برای رسیدن به کمال خود خلق شده‌اند نه آنکه اصل، کمال مرد باشد و زن تنها ابزاری برای کمال‌یابی مرد به حساب آید،

(زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۶) پیامبران الهی تمامی بندگان خدا را به قیام برای اهداف الهی از طریق ایمان و عمل صالح فرا خوانده‌اند؛ زن و مرد هر دو موظف‌اند که اعمال صالح انجام دهند و به کمال غایی خود نزدیک شوند. (نحل: ۹۷) اینکه در میان زنان کسانی یافت می‌شوند که قرآن و حدیث آنان را هم صحبت فرشتگان، مورد توجه انبیاء، مقدم بر بسیاری از پیامبران الهی و کوثری (کوثر: ۱) از ناحیه خداوند می‌داند، خود نمایانگر والایی شخصیت انسانی زن و مراتب کمال اوست. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۵) همچنین زن می‌تواند تا جایی دارای قدرت و توان رسیدن به کمال باشد که مخاطب الهامات الهی (قصص: ۷) و مغفرت الهی قرار بگیرد (احزاب: ۷۳) و وعده‌های خداوند برای آن دو یکسان است. (توبه: ۷۲) خواه پاداش (آل عمران: ۱۹۵)، (مؤمن: ۴۰) باشد خواه عقاب. (بروج: ۱۰).

البته گاه در روایات، به احادیثی برمی‌خوریم که به ظاهر با آنچه گفته شد، مخالف است. ولی بیشتر روایات یاد شده که ناظر به وجود کاستی‌هایی در زنان است، دلالت بر فروتری زنان در انسانیت ندارد. این روایات در حقیقت ناظر به تفاوت استعدادی زن و مرد است و دلیل بر وجود عیب در خلقت زن نیست.

در خصوص اصل برابری زن و مرد در قرآن می‌توان به برابری زن و مرد در انسانیت (بقره: ۳۲-۳۸)، برابری زن و مرد در امور ارزشی (احزاب: ۳۵) اشاره کرد.

## ۲-۳-۳- مسئولیت‌پذیری

بر اساس معیارها و دستورات اسلامی، انسان دارای وظایف و تکالیفی است و در مقابل هر عملی که به او تکلیف شده مسئول خواهد بود، به عبارت دیگر انسان در برابر تمام رفتارهایش مسئول است. (اسراء: ۳۶) از جمله این عرصه‌های اجتماعی، نظام اجتماعی و نهاد خانواده است که هر دو لزوماً بر پایه تقسیم کار و توزیع مسئولیت شکل می‌گیرد. و همانطور که واضح است این امور اختصاصی به مردان ندارد بلکه شامل زنان نیز می‌باشد و به صراحت می‌توان ادعا کرد که در هر میدانی که بانوان در آن با حضور سالم و مسئولانه وارد بشوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

## ۲-۴- نقش موثر زنان در پیشرفت و انحطاط تمدن اسلامی

بسیاری از بزرگان و اندیشمندان امروزی همواره این پرسش را مطرح کرده‌اند که پس از درخشش تمدن اسلامی در میان عرب جاهلیت، علت سیر انحطاط آن چیست؟ و سؤالی ظریف‌تر این که نقش زنان در این امر چیست؟ در ادامه به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

### ۲-۴-۱- انحراف از آموزه‌های اصیل اسلامی

فرهنگ و تمدن اسلامی وامدار آموزه‌های اصیلی بود که ریشه در آیات و سنت داشت؛ احادیث شیعه و سنی، که دومین منبع برای شناخت اسلام است، در طول تاریخ از دستبرد و جعل و تحریف مصون نمانده است. اهل تسنن با نوشتن کتاب‌هایی در خصوص احادیث وضعی، این موضوع را به اثبات رسانیده‌اند و علمای شیعه مانند شیخ مفید و شیخ صدوق، مرحوم مامقانی، کاشف‌الغطاء، علامه شعرانی، امام خمینی، آیت الله خویی و ... به وجود حدیث جعلی در لابه لای روایات اعتراف کرده‌اند (مهریزی، ۱۳۸۶: ۱۵). نوال السعداوی گفته است: "بسیاری از احکام امروز که به نام اسلام بر زنان عرب فرض شده است، از اسلام نیست، بلکه میراث اندیشه‌های عمر بن خطاب و مردانی چون اوست، که خوی پدرسالارانه خویش را در اسلام به جا گذاشته‌اند." (مهریزی، ۱۳۸۶: ۳۳).

جناب آقای مهدی مهریزی در کتاب شخصیت و حقوق زن در اسلام به بررسی روایات مربوط به نقصان عقل زنان، روایات منع از مشورت با زنان، احادیث دلالت‌کننده بر سفاهت در منابع شیعه و سنی پرداخته و بعد از بررسی سند و دلالت، آن‌ها را رد می‌کند (مهریزی، ۱۳۸۶: ۹۵-۹۶). و آن را تأویل و تحمیلی می‌داند که نسبت به پیشوایان دین نسبت داده‌اند (همان، ۱۰۵). و ادعا می‌کند که این احادیث از نظر سند و دلالت به گونه‌ای نیستند که بتوان با آن حکم تبعیدی را اثبات کرد. و اهمیت بیان این روایات را تنها از جهت بیان واقعیت‌های موجود در آن زمان‌ها می‌داند (همان، ۹۶).



## ۲-۴-۲- نا آگاهی زنان

ناآگاهی زنان از عوامل مهم دیگری است که خود زنان در حق خویشتن روا داشتند البته ناگفته نماند که گاهی ناآگاهی زنان مسلمان از حقوق و وظایف خود در دوره‌های مختلف، ناشی از انحرافی است که در جوامع اسلامی پیش آمده است و آنان را از سنت صحیح اسلامی باز داشته است (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۱). عدم اعتماد به زن به عنوان موجودی مدبر و حائر شعور و اعتماد به نقص عقلی و ذاتی او بیشتر ناشی از شرایط تحمیلی به وی در طول تاریخ و نقصان قوانین بوده است (مهریزی، ۱۳۸۶: ۲۵۸).

## ۳- علم آموزی زنان در تمدن اسلامی

پیش از ظهور اسلام، نه تنها علم در هیچ جا واجب نبود، بلکه در جاهایی قدغن و ممنوع بود (خاکرند، ۱۳۹۰: ۴۸۴) جان برنال ابراز می‌دارد: اسلام از همان آغاز، دین دانش شمرده می‌شد (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۵). آنچه تمدن اسلامی به سنت‌های پیش از خود افزوده همان لحاظ توحید و حدانی است که به ضمیمه تسلیم مشتاقانه به مشیت الهی، به مسلمانان آن شایستگی را داد که مشعل دانش را، که در آتن و اسکندریه مرده بود، از نو بیفزورد. قرآن و روایات که دو منبع اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌روند، بر اصل فراگیری دانش تأکید فراوان داشته‌اند. (فاطر: ۲۵) در احادیث نبوی است که جستجوی علم و معرفت، تا آن حد که هر مسلمان شایستگی آن را دارد، فریضه و واجب است؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۷۷، ح ۵۴ و ص ۱۷۲، ح ۲۷) همین دستورات بوده است که در قرون اخیر بزرگ‌ترین حجت برای وجوب تعلیم و تعلم و اشاعه علم شده است (نصر، ۱۳۵۰: ۵۱) مخاطب در این دست از آیات و احادیث، امت مسلمان - اعم از زن و مرد - است و تعلیم و تربیت به صنف خاصی اختصاص نیافته، می‌توان به صراحت ادعا کرد که اسلام در این جهت تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده است. (بقره: ۱۵۱) و چنانچه از مستندات تاریخی برمی‌آید در تمدن اسلامی پسران و دختران هر دو تعلیم می‌شدند، و این کار عموماً در مساجد هم صورت می‌گرفته است (نصر، ۱۳۵۰: ۵۲).

همانطور که گفته شد زنان نیز مانند مردان باید در انجام وظایف محوله‌ای که خداوند بر عهده آنان گذاشته است ساعی باشند دانستن و انجام این اعمال بدون علم‌آموزی چگونه میسر می‌باشد؟ (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۲، ۳۷۶) در آیات مربوط به علم‌آموزی هیچ‌گونه اختصاصی برای مردان مشاهده نمی‌شود؛ چراکه قرآن کریم تعلیم و تربیت را به روح نسبت می‌دهد (روح نه مذكر است و نه مؤنث) و مرکز دریافت علم را را جان انسان‌ها می‌داند. (مجادله: ۱۱) پیامبر ﷺ فرموده‌اند: "طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة" پیامبر ﷺ فرمودند: آموختن دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۷۷، ح ۵۴) همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که: "دانش طلبی، در هر حال واجب است." (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۷۲، ح ۲۷).

با این وجود جایز نیست که بعد از این توصیفات علم‌آموزی بر زنان حرام باشد و این از واجبات و حقوقی است که بر گردن آنها نیز می‌باشد. (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۲، ۳۷۶). زنان نیز مانند مردان در ذات و ادراک و شعور و عقل مانند مردان می‌باشند؛ (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۲، ۳۷۶) هیچ یک از آیات قرآن کریم که مردم را دعوت به تدبیر و تعقل در نظام آفرینش می‌کند، مخصوص بر مردان نیست. (مرتضوی، ۱۳۸۲: ۸۱) چنانچه که می‌خوانیم: "ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید." (حدید: ۱۷) همچنین: "بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند." (انفال: ۲۲)

### ۳-۱- حدود علم‌آموزی زنان در تمدن اسلامی

در خصوص حدود علم‌آموزی زنان سه دیدگاه متفاوت وارد شده است، عده‌ای دانش‌اندوزی زن را در حیطه وظایف زنان می‌دانند؛ (علوم مربوط به خانه‌داری، تربیت فرزند و...) سیدجمال‌الدین، شیخ محمد عبده، رشیدرضا و... از نمایان این تفکرند؛ و قائل به تفاوت تکوینی مرد و زن از روی حکمت و مصلحت می‌باشند، که بایستی در راستای وظایف خود آموزش ببینند. (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

دیدگاه دیگر در خصوص علم‌آموزی زنان در حیطة علوم دینی نیز می‌باشد به‌طور مثال می‌توان به برخی از زن‌های منسوب به فقها و عالمان بزرگ، که اهل فضل و دانش و اجتهاد بودند؛ مانند امّ علی، همسر شهید اول، فاطمه امّ الحسن، دختر شهید اول و آمنه بیگم و دختر مجلسی اول از این عرصه فراتر رفته و دارای مدارج و مقامات علمی بالا می‌باشند اشاره کرد. (مهریزی، ۱۳۸۶: ۶۳).

طبق دیدگاه دیگر زن همسان مرد می‌تواند کلیه دانش‌ها (اعم از دینی و غیر دینی را بیاموزد و عمده این تفکر مربوط به یکسان نگری روح و برابری در خطاب آیات الهی می‌باشد؛ و تحصیل علم بر هر فرد مسلمانی، خواه زن و خواه مرد واجب است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۷۷) چنان‌که امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرمایند: در [کسب] علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد. (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۲: ج ۱۹، ۱۲۰) لذا اسلام تحصیل علم را بر نوجوانان، پیران، کنیزان و غلامان و همسران واجب نمود. (خاکرند، ۱۳۹۰: ۴۸۵).

می‌توان گفت دیدگاه سوم شامل بینش کاملی است چرا که صحیح نیست که ما علوم را به دو دسته دینی و غیر دینی و یا علم را منتسب به جنسیت نماییم تا برای برخی این اشتباه پیش آید که علمی که در بین مردم، علوم غیر دینی نامیده می‌شود، مورد توجه اسلام نمی‌باشد، از واضحات است که جامعیت و خاتمیت دین مبین اسلام مقتضی آن است که هر علم سودمند و مؤثری را که برای مسلمانان و جامعه اسلامی لازم و ضروری می‌نماید جزو علوم دینی به حساب آوریم. (صانعی، ۱۳۸۰: ۳۰۵) و علاوه بر این لازم به ذکر است که در هر سه دیدگاه اصل علم‌آموزی زنان مورد قبول می‌باشد.

### ۲-۳- موانع علم‌آموزی زنان

آنچه در متون اسلامی زمینه‌ساز تفکر ممانعت از تحصیل زنان شده است روایات مربوط به حبس زنان در خانه است که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

در روایتی موجود در صحیح بخاری آمده است که: امیرالمومنین رضی الله عنه فرمودند: «مردان از خاک آفریده شدند و توجه آنان به زمین است و زنان از مردان خلق شده‌اند و بدان‌ها توجه دارند. ای مردان، زنان را در خانه حبس کنید.» (بخاری، بی‌تا: ج ۶، ۴۱۸) جناب آقای مهریزی

ضمن مرسل دانستن این دست روایات سیره عملی پیامبر ﷺ را ناقض این حکم می‌دانند (مهریزی، ۱۳۸۶: ۷۷).

امام خمینی علیه السلام نیز در این باره می‌فرمایند: "زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود، از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است" مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی علیه السلام، (۱۳۷۸: ۸۴). استاد مطهری در این زمینه می‌فرماید: "توجه اسلام به مسائلی مانند حجاب مخالفتی با آزادی زنان نخواهد داشت و این به آن معنا نیست که زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود، زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست" (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۹-۷۸).

از این روی از عدل به دور است که انسانی، انسان دیگری را به بندگی و بردگی بگیرد. (رشیدرضا، بی تا: ج ۲، ۳۷۶) در این مورد آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: "و هیچ کسی حق ندارد افراد دیگر را تحت تسخیر خود در آورد اما خودش مسخر او نشود، کسی نمی‌تواند با داشتن قدرت و امکانات استعدادی یا غیر استعدادی از دیگران تسخیر یک جانبه طلب کند بلکه "لیتخذ بعضهم بعضاً سخراً" یعنی تسخیر متقابل و خدمت‌های متقابل باید باشد تا نظام به احسن وجه اداره شود. و اگر تسخیر، متقابل نباشد همان استهزاء کردن و منافع دیگری را به سود خود رایگان بردن است که قرآن آن را نهی کرده و آن را به عنوان ستم، تحریم و محکوم کرده است، و این تفاوت هم برای تسخیر دو جانبه و متقابل است نه تسخیر یک جانبه و این تسخیر متقابل دو جانبه، نشانه فضیلت نیست." (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۳۶۵).

لذا مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: "اگر چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد، مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد، اما نمی‌گذارند از این استعدادها استفاده بکند و آن استعداد شکوفا بشود، مصداقی از ظالم

می‌باشند". (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۰۵، به نقل از متن سخنان رهبری به مناسبت تولد حضرت زهرا علیها السلام).

از این جهت باید گفت تغییری که در رفتار مسلمانان ایجاد شده، جدای از اوامر قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ج ۴، ۳۰۱) به طور مثال از جمله مسائلی است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شده است رفتار خلیفه دوم می‌باشد که دیدگاه‌های بسیار تند و خشن نسبت به زنان داشته است؛ (مهریزی، ۱۳۸۶: ۲۷۶) درحالی که طبق نص قرآن جهت رد این گونه رفتارها می‌خوانیم. (احزاب: ۵۸).

### ۳-۳ نتایج عدم علم آموزی

مهجور بودن و ناآگاه بودن زنان پیامدها و نتایجی دارد که در زیر به آن اشاره می‌شود:

#### ۳-۳-۱- از بین رفتن شخصیت انسانی زن

برای تخریب و تضعیف و بلکه محو شخصیت یک انسان هیچ وسیله‌ای مؤثرتر از این نیست که او را در سرنوشت خود و جامعه بالاارزش بشناسند و بسازند؛ در این صورت فرد کوچک‌ترین علاقه و کوششی در بهبود خود نخواهد کرد، بلکه یکسره به بهره‌برداری از سرمایه خود پرداخته و غوطه‌ور در شهوات و لذات مادی حیوانی می‌شود. (بازرگان، ۱۳۴۴: ۳۷).

#### ۳-۳-۲- غفلت از توانایی‌ها

غفلت، راه‌های معرفتی را که خداوند برای انسان قرار داده است مسدود و آن‌ها را غیر قابل استفاده می‌کند خداوند، چشم و گوش و دل در اختیار زن و مرد قرار داده تا در مسیر شناخت و معرفت از آن‌ها استفاده کند، ولی شخص غافل در تشخیص درست از نادرست از آن‌ها استفاده نمی‌کند، بلکه، سرش را پایین انداخته، به مقتضای غریزه کور و بدون آن که توجه حق و باطلی هم هست عمل خواهد کرد؛ از این روست که خدا در مورد آنان می‌فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ» (اعراف: ۱۷۹) آنان همانند چهار پایان هستند. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷: ۱۳۵)

و این غافل بودن به این معنی است که عملاً نیمی از جامعه از فکر و فعالیت باز مانده در نتیجه سرعت پیشرفت و توسعهٔ جامعه نیز نیمه خواهد شد.

### ۳-۳-۳- خودباختگی و حس پوچی

هر فردی به لحاظ این که انسان آفریده شده است فراتر از سایر موجودات از سلسله ویژگی‌های برتر نظیر استعداد و ظرفیت و زمینهٔ رشد فراوانی برخوردار است که اگر او به عنوان انسان از توانمندی‌هایی که دارد به نحو صحیح استفاده کند می‌تواند به مقام خلیفه الهی برسد و مسجود ملائکه واقع شود. در مقابل اگر در اثر غفلت‌ها و غرق شدن در لذایذ دنیوی و فراموش کردن منزلت واقعی خویش، دچار خودباختگی شود و از ارزش‌های انسانی و گرایش‌های متعالی مخفی گردد، ماهیت حیوانی یا پست‌تر پیدا می‌کند.

موارد دیگر از نتایج عدم علم‌آموزی زنان: شهوت‌پرستی و طغیان و سرکشی، سستی و عقب‌ماندگی: دوربودن از احساس مسئولیت اجتماعی، خشونت و بد اخلاقی، از بین رفتن اعتماد و پابندی خانوادگی، مصرف‌گرایی و دنیازدگی

### نتیجه

با توجه به این که ثابت شد اسلام بر خلاف دیدگاه بسیاری؛ دین زن ستیز نمی‌باشد بلکه در بسیاری از آموزه‌های خود با ارج نهادن به مقام زن به تکریم جایگاه وی پرداخته است وقتی دین تمدن‌سازی مانند اسلام مرحلهٔ نوین شده‌گی و پویایی خود را خواهد داشت که علم‌آموزی زنان به عنوان نیمی از جامعهٔ اسلامی مورد توجه بیش از پیش قرار گرفته و سرمایه‌گذاری لازم در این جهت انجام شود؛ چراکه همانطور که ثابت شد بدون علم و خلاقیت که رکن اصلی فرهنگ‌هاست تمدن شکل نمی‌گیرد، در نبود آن تمدن به رکود و سکون و حتی به افول خود نیز نزدیک‌تر خواهد شد، البته همانطور که گفته شد تمدن اسلامی به اندازهٔ کافی این ظرفیت و ویژگی را دارد که در امر زنان همچون صدر اسلام پیشتاز ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌های مقابل خود باشد.

## راه کارها

اهمیت دادن به رشد فکری و معنوی زنان؛  
تقویت انگیزه جستجوگری و علم‌پذیری زنان؛  
ارج نهادن به مقام زن و اندیشمندان زن؛  
تقویت روحیه خودباوری زنان؛  
اصلاح قوانین مربوط به زنان؛  
پالایش دیدگاه‌های متحجرانه و عقل‌ستیز در خصوص مسائل زنان.

- قرآن حکیم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- تاریخ سیاسی اسلام، ابراهیم حسن، حسن، ابوالقاسم پاینده، چاپ نهم، بی جا: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶، ۱۱.
- آزادی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مرکز تحقیقات اسلامی...، بی جا، محدث، ۱۳۷۸.
- اقلیدی نژاد، علی، معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیّه قم: ۱۴۲۴ق، قم، مبلغان، ۳۹.
- مسلمان اجتماعی و جهانی، بازرگان، مهدی، تنظیم عبد العلی بازرگان، قم: قیام، ۱۳۴۴.
- علم و دین در حیات معقول، جعفری، محمدتقی، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، پاییز ۱۳۸۵.
- زن در آئینه جلال و جمال، جوادی آملی، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴.
- زن از یونان باستان تا تمدن اسلام، حسینی، سیدمرتضی، مجموعه مقالات برگزیده ششمین جشنواره شیخ طوسی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، توحید، ۱۳۸۲.
- سیر تمدن اسلامی، خاکرند، شکرالله، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
- صحیفه نور، خمینی، روح الله، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
- تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، رشیدرضا، محمد، جزء ثانی، الطبعة الثانية، بیروت: دارالمعرفة.
- درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، زیبایی نژاد، محمدرضا، سبحانی، محمدتقی، چاپ دهم، قم: شورای عالی حوزه، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران، تابستان ۱۳۸۸.
- در و صدف، شجاعی، محمد، چاپ سوم، شهر ری: محبی، ۱۳۷۸.
- تربیت اسلامی، صانعی، مشهد: سناباد، زمستان ۱۳۸۰.
- فرهنگ فلسفی، صلیبا، جمیل، مترجم منوچهر صانعی دره بیدی، بی جا: ملت.



- ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، چاپ بیستم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بهار ۱۳۸۴.
- زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، فتاحی زاده، فتحیه، چاپ سوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- تفسیر نور، قرائتی، محسن، چاپ سوم، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۴.
- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قربانی، زین العابدین، چاپ دوم، تهران: سایه، ۱۳۸۵.
- نظام حقوقی اسلام، قنوتی، جلیل، چاپ اول، قم: دفتر تحقیقات و تدوین کتب درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، کاشفی، محمدرضا، چاپ سوم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۹.
- قرن دیوانه، نادانی های دوران دانش، بحران تمدن و فرهنگ، کسمائی، علی اکبر، چاپ دوم، تهران: بعثت، پائیز ۱۳۵۴.
- قرآن و مقام زن، کمالی، علی، تهران: اسوه، وابسته به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۱.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- زن و خطابات قرآنی، شخصیت حقوقی زن در اسلام، محقق، محمد کاظم، مجموعه مقالات برگزیده ششمین جشنواره شیخ طوسی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، توحید، ۱۳۸۲.
- زن و آزادی، مجله شخصیت و حقوق زن در اسلام، مرتضوی، مرضیه سادات، مدنی، زهرا سادات، قم: مجموعه مقالات برگزیده ششمین جشنواره شیخ طوسی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ توحید، ۱۳۸۲.
- تمدن اسلامی در عصر عباسیان، مکی، محمد کاظم، سپهری، محمد، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، زمستان ۱۳۸۳.
- به سوی خودسازی، مصباح یزدی، محمدتقی، سبحانی، کریم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

- خداشناسی برای خودسازی، به سوی خودسازی، مصباح‌زیدی، محمدتقی، سبحانی، کریم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷.
- تعلیم و تربیت در اسلام، مطهری، مرتضی، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
- مجموعه آثار، مطهری، مرتضی، چاپ ششم، تهران: صدرا، فروردین، ۱۳۸۰.
- مسئله حجاب، مطهری، مرتضی، صدرا، ۱۳۷۶.
- نظام حقوق زن در اسلام، مطهری، مرتضی، چاپ هشتم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۵۷.
- جایگاه زن در اندیشه امام خمینی علیه السلام، ...، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، پاییز ۱۳۷۸.
- تمدن نوین اسلامی، مهاجرانی، عطاءالله، فصلنامه راهبرد، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱۲.
- شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهریزی، مهدی، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- زن در اندیشه اسلامی، مهریزی، مهدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱.
- علم و تمدن در اسلام، نصر، سیدحسین، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران: اندیشه، ۱۳۵۰.
- A.Badawi, Dr.Jamal, The position of women in Islam, Ayesha bint Mahmood, U.K.I.M.dawah centre.
- Nasr, Seyyed Hossein, Islam Religion, History, and Civilization. HarperCollins e-book.
- McAuliff, Jane Dammen, Encyclopaedia of Quran, Vol 4, Brill, Leiden- Boston, 2004.
- Qadar Bakh Baloch, The Islamic Civilization, N.W.F.P. Pakistan.